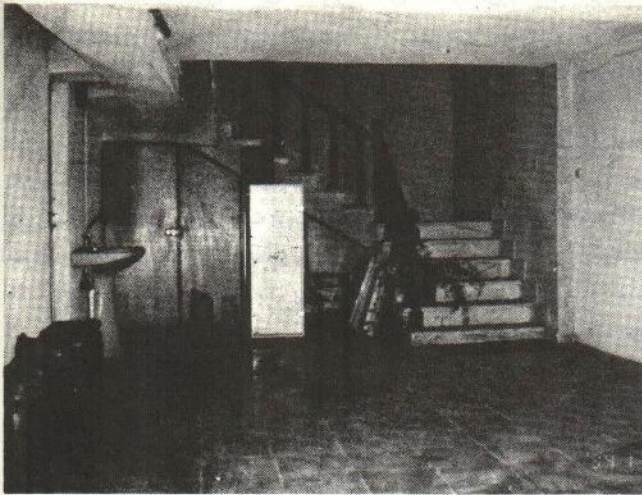




فضای
ورودی
خانه‌ها



و فنی - اداری و بالطبع خوراکی، پوشاکی مصرفی و آداب سکونت را نیز شامل می‌شود. در قرن معاصر نسل‌های متاخر راه وروش، شیوه و منش دیگری را در حیات خصوصی و اجتماعی خود برگزیدند.

در اروپا روند تغییر سازمان فضایی خانه با اتکا به تغییر تدریجی روابط اجتماعی با سرعت کمتری صورت گرفت. به علاوه صنعتی شدن و استاندارد شدن در همه جنبه‌های شیوه زندگی رسوخ کرد. با وجود این جنبه‌های مثبت و منفی این روند تدریجی حائز اهمیت و توجه است. بدین معنا که در مواردی دستاوردهای روند صنعتی شدن دقیقاً جایگزین عناصر خانه با آن هماهنگ شدند و در مواردی نیز به شدت آن را دگرگون کردند. نمونه حالت اول، یعنی جایگزین شدن دستاوردهای صنعت وجود چراغهای گازی در خانه‌ها بود، یعنی خانه‌ها پیش از برق ولامپهای روشنایی از نوع پیشرفته‌ای روشنایی مصنوعی برخوردار بودند. به این ترتیب لطمه‌ای به نظام روشنایی خانه و فضاهای مرتبط با آن وارد نشد. به عنوان نمونه‌ای از هماهنگی با روند صنعتی شدن می‌توان به وجود داکتهایی اشاره کرد که در خانه‌های قدیمی اروپا وجود داشت و پس از پدیدار شدن کولر و شوفاژ و لوله کشی امکان عبور لوله‌ها و کانالهای تأسیسات از این داکتها مهیا بود و همین امر موجب شد لطمه‌ای به سازمان فضایی خانه وارد نیاید. نمونه حالت سوم، یعنی دگرگونی شدید که اروپاییان نیز در اثر صنعتی شدن از آن لطمه خوردند، لیکن همچون یک مبارزه اجتماعی با آن مواجه شدند، سلطه دستگاههای ماشینی مربوط به آشپزخانه بود. این ماشینها آن قدر زیاد وکارا بودند که در ابتدا بدون توجه به سازمان فضایی خانه در هر کجا جای داده شدند و بعد فضاها به تدریج حول و حوش آنان شکل گرفتند و این امر تأثیر عمیقی برجای گذاشت. آشپزخانه‌های فعلی که تقریباً جهانی شده‌اند محصول یک چنین دگرگونی شدیدی هستند. شاید بتوان عواملی که مفهوم و مصداق خانه و سکونت را تغییر دادند به قرار زیر شناسایی کرد. آنچه در شهرهای ما اتفاق افتادند عدم دخالت بموقع در بافت‌های تاریخی، هماهنگ نکردن این بافت در برابر اتومبیل و مرمت نکردن و تخریب آن بوده است. نتیجه آن شد که در مقابل انتخاب اتومبیل یا بافت تاریخی، اتومبیل برگزیده شد و با پیدایش جلوه‌های جدید شهر، نظیر خیابان، آسفالت، چراغ برق و ... بافت تاریخی مورد جراحی قرار گرفت و این یکی از مهمترین پدیده‌های تغییر شیوه زندگی بود که «تعویض» برجای «ترمیم» نشست، از خانه‌های تاریخی بوی نم ونا برخاست، نور طبیعی و همه

«واحد مسکونی» خانه نیست

محمد رضا حائری

مدخل - همه ما به خانه‌هایمان می‌رویم تا بتوانیم دوباره به شهر بازگردیم. در این رفت و آمد دائمی از شهر به خانه واز خانه به شهر آیا خانه نقش اساسی در ارتقاء حضور آدمی در جامعه و خانواده ایفا نمی‌کند؟ حتی من نویسنده این سطور نیز نمی‌توانم حداقل در لحظه نگارش این مقاله از تسلط افکار مرتبط با شرایط بی‌خانمانی خلاص شوم، لیکن بحثها را هرچند در نهایت به هم مربوط باشند، نمی‌توان مخلوط کرد. همین که جامعه ما تا این حد نزول کرده است که از داشتن هرگونه سرپناهی راضی و خشنود باشیم خود به شرایطی منجر شده است که بحث درباره معماری خانه می‌تواند نوعی تجمل گرایی تلقی شود. اما به هر صورت تحت همین شرایط نیز باید درباره نقش تأثیرگذار فضای خانه بر خانواده گفتگو کرد، زیرا اگر نگوییم همه صاحبان خانه، می‌توان گفت که بخش اعظم آنها از معماری خانه‌هایشان طرفی برنمی‌بندند و فضای خانه‌های کنونی - حتی خانه‌های بزرگ و گران قیمت - تأثیری انفعالی و بعضاً مخرب بر ساکنانشان دارند.

این مقاله کمتر به شکل خانه می‌پردازد و بیشتر برای پی‌بردن به رابطه متقابل میان فضا و شیوه زندگی کوشش می‌کند. به نظر می‌رسد ادراک فضا در ارتباط متقابل با شیوه زندگی، درک روشن‌تری را از معماری میسر می‌کند. اما برای تکیه بر خلاقیت معمارانه بدون پشتوانه ادراک فضایی یا باید نابغه بود یا شهامت پذیرش خطا را داشت.

طرح بحث

با عوض شدن شیوه زندگی (Life Style) مفهوم و مصداق «خانه» و «سکونت» جای خود را به «واحد مسکونی» و «اسکان» واگذار کردند. عوض شدن شیوه زندگی تقریباً همه جنبه‌های آیینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

تدابیر وابسته به آن اعم از طراحی مناسب فضاها، درگاهها، در پنجره‌ها و روزنها و چشم‌اندازها کنار گذاشته شد. آوارها مرمت نشد، موریانه در و پنجره را و بالا رفتن قیمت اراضی همهٔ اعیانها را مورد حمله قرار داد. معماران ماکه عموماً در خارج از کشور تحصیل کرده بودند در برابر این موج «نوخواهی» و «دیگر خواهی» فقدان ارتباط و اطلاع از گذشته، الگوهای فضایی جدیدتری عرضه کردند که چون مجهز به آب لوله‌کشی و برق و تلفن و شواژ و کولر و تیرآهن و از این قبیل امکانات رفاهی و مصالح جدید بود به شدت مورد استقبال نسلهای متأخر قرار گرفت. بعد خانواده نیز در این دوران کوچکتر شده بود و دیگر از زندگی گروهی پدر با فرزندان و عروسها چندان استقبال نمی‌شد. خانه‌های کوچک و جمع‌وجور و راحت از هر لحاظ بر خانه‌های بزرگ قدیمی و پردردسر برتری داشت. سهولت گردگیری و نظافت، نزدیکی حمام و دستشویی و توالت به اتاقها، آشپزخانه نورانی و پرقفسه، پیدایش اشیاء جایگزین فضاها مانند یخچال و فریزر که غذا و آذوقه را به راحتی و برای مدت طولانی نگهداری می‌کردند و چندان هم جایی را اشغال نمی‌کردند، کمدهای لباس و ظروف و قفسه‌های مختلف چملمگی در زمانی بسیار کوتاه‌گذار مفاهیم و مصادیق خانه و سکونت را به بدیل‌های دیگر ممکن ساختند. اما خسارتی که نسل گذشته بیش از همه از آن یاد می‌کند و ما از طریق مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها آن را دریافتیم حذف فضای باز خصوصی و تحرک فضایی است. حیاط که همچون یک اتاق بدون سقف امکان ارتباط آزاد و بدون اشراف با طبیعت را مقدور می‌ساخت در این تغییر شیوه زندگی به کلی از سازمان فضایی خانه حذف شده است و آنچه باقی‌مانده فضای بازی در حد فاصل شارع عام و بنای خصوصی است که بیشتر جنبه عبوری دارد و اساساً تحت اشراف است.

بدین ترتیب آنچه امروز در آن زندگی می‌کنیم و آنچه امروز دلمشغولی بسیاری از مسئولان و معماران را به مفاهیمی چون «مسکن اجتماعی» یا ۴۰ تا ۷۵ متر مربع زیر بنا، ضرورت اسکان در ارتفاع و بحثهایی از این قبیل تشکیل می‌دهد نیم قرن پیش از این اساساً بدین صورت نبوده و گونه‌های دیگر داشته است. حتی در جوامع دیگر نیز با توجه به تغییرات ژرف شیوه زندگی جستجو برای یافتن پاسخهای مناسب به راه‌حلهای دیگر منجر شده است.

تعریف خانه

در اینجا پنج تعریف از خانه آورده شده است:

تعریف اول: «خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود.» (پیرنیا - ۱۵۴)

تعریف دوم: «خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه باید یک فرد یا یک خانواده زندگی کند، یعنی اینکه بخوابد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند.» (لوکور بوزیه - ۴۶)

تعریف سوم: «خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله‌اش شاخصترین بنادر تحکیم مکان.» (مور - ۵۰)

تعریف چهارم: «خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجاکه احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی است، شکل و سازمان

فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی در آن زمان نیز که خانه برای بشر اولیه به عنوان سرپناه مطرح بود مفهوم عملکرد تنها در فایده صرف یا فضای عملکردی محض خلاصه نمی‌شد. وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح بود و جنبه مثبت مفهوم خانه ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود...»

(راپاپورت - خلاصه شده از کتاب شکل خانه و فرهنگ) تعریف پنجم: «از میان فضاها، پیرامونی، خانه بلافصل‌ترین فضای مرتبط با آدمی است، به طور روزمره از او تأثیر می‌گیرد و بر او تأثیر می‌گذارد. اولین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند و مجموعه حواس پنجگانه دائماً سرتاسر آن را طی می‌کند و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرند. خانه تنها مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد و خلوت با خود، با همسر و فرزندان، با دوست و دیگران همه و همه بی‌تعرض غیر در آن ممکن می‌گردد.»

(استخراج شده از گزارش تحقیقاتی «کاربرد اصول معماری خانه‌های ایرانی در طراحی مسکن معاصر»)

ویژگی‌های خانواده^۲

هر خانواده معمولاً مجموعه‌ای از تمایزهای سنی، جنسی، دانشی، تخصصی، عاطفی، اجتماعی، درآمدی و از این قبیل است. در نیم قرن گذشته در ایران تمایزات درون خانواده به شدت افزایش یافته و تجانس درونی آن دگرگون شده است. از طرف دیگر رشد شهرنشینی و افزایش طبقه متوسط به افزایش مشابهت بیرونی خانواده‌ها منجر شده است. عباراتی چون «طبقه متوسط»، «گروه کم درآمد» و از این قبیل نشانه‌هایی از دیدگاه «متشابه نگر» است.

در غرب خانواده را نهادی می‌دانند که از طریق آن مشروعترین روابط عاطفی و جسمی و انتقال ثروت برقرار و میسر می‌شود و اعضاء آن عمدتاً شامل پدر و مادر و یک یا دو فرزند است. هر فرزند حداکثر تا سن بیست سالگی فرزند خانواده است و پس از آن بالاجبار مستقل می‌شود. پدر و مادر معمولاً هر دو کار می‌کنند و عصرها به خانه می‌آیند و خانه در حال تبدیل شدن به خوابگاه است.

در ایران خانواده هم از لحاظ کیفی و هم کمی متنوعتر و متعددتر است. امکان حضور فرزندان بیش از بیست سال و بستگان کهنسال (پدر بزرگ، مادر بزرگ و...) در یک خانه ایرانی بسیار زیاد است. خانواده مرکز روابط اجتماعی است. هنوز نهادهای دیگری مانند انجمنها و کلوپها و از این قبیل جایگزین ویژگیها و مرکزیت اجتماعی خانواده نشده‌اند و سهم خانواده در تعلیم و تربیت و انتقال آداب و سنن و اعتقادات بسیار زیاد است. خانه معمولاً صبحها خالی نیست و در طول روز بیش از یک وعده غذا در آن صرف می‌شود و تنها محلی برای خوابیدن نیست. در حال حاضر سهم واحد مسکونی در تقلیل و سرکوب ویژگیهای زندهٔ خانواده ایرانی بسیار زیاد است.

پرسشگری از خانواده‌ها

در ابتدا پرسشهایی را که با همکاری رشته‌های معماری و مردم‌شناسی تهیه شده‌اند و هدف آنها ثبت تأثیرات بصری و فضایی حضور و حرکت در



چشم‌انداز خانه‌های تازه‌ساز



اتاق خواب خانه‌ها

همجواری با حیاط خلوت (فضای باز خصوصی) و انباری، نور و هوای کافی برای تهویه داشته باشد و از دید و منظر هم برخوردار باشد. فقدان انبار در آشپزخانه‌های معاصر آزاردهنده است. در صورت نامناسب بودن مبلمان و تجهیزات داخلی آن، هدف از این وسائل برآورده نخواهد شد. (آشپزخانه مکانی است که در آن تعدادی قفسه، پیشخوان، دستگاه‌های برقی و حرارتی مجتمع شده باشند).

نوزدهم - در این سؤال درباره تنوع فضایی در خانه پرسیدیم و دریافتیم که تنوع فضایی در خانه‌های معاصر اندک است و ساکنان نسبت به آن بی تفاوت‌اند. پاسخهایی که نسبت به موضوع حساستر بودند از یکنواختی فضایی داخل خانه‌ها شکایت داشتند. این پاسخها بسیار اندک هستند. آنچه تنوع نامیده می‌شود تفاوت‌هایی جزئی در نور، رنگ و اختلاف یک دو پله در سطح است.

بیستم - پرسیدیم حوصله‌تان از خانه سرنمی‌رود. در بررسی پاسخها دریافتیم که کاهش فضاهای باز، به ویژه حیاط و محدود شدن چشم‌انداز و یکنواخت بودن فضاها به نحو محسوسی از کیفیت حضور در خانه کاسته است.

بیست و یکم - در بررسی پاسخ به پرسش آیا فضایی در خانه وجود دارد که شما رانگاه دارد یا تسکین دهد بر ما معلوم شد که وجود یک فضای مشخص و مناسب و ایجاد احساس تعلق در داخل سازمان فضایی برای ساکنان می‌تواند در افزایش مطبوعیت خانه نقش مؤثری ایفا کند.

بیست و دوم - در باره چگونگی تأمین آسودگی در خانه پرسیده بودیم، اما بخش اعظم پاسخها به مسائل غیر فضایی و شیوه زندگی به طور عام پرداختند و هیچ گونه حساسیت فضایی از خود نشان ندادند. اکثریت قریب به اتفاق خانه‌هایی را که حضوراً بررسی کردیم فاقد توانایی تأمین آسودگی بودند.

بیست و سوم - این پرسش به ارزیابی توان و ظرفیت خانه‌های معاصر برای برگزاری مراسم پرجمعیت، نظیر عروسی، روضه‌خوانی و از این قبیل اختصاص داشت. پاسخها از کمتر از بیست تا صد نفر میهمان را ذکر کرده بودند، ولی نه لزوماً با در نظر گرفتن راحتی و رضایت میهمانها. پاسخها به رابطه متقابل زیر بنا و تعداد میهمانها اشاره کرده بودند، ولی در هیچ یک از موارد به افزایش توان فضاها در اثر انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و

پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز در زمره ساکنان یک خانه به حساب می‌آیند. سازمان فضایی خانه از طریق تعدد اتاقهای مجزا می‌تواند جدایی لازم را تأمین کند.

پانزدهم - در پاسخ به این سؤال که آیا از فضاهای خلوت و خصوصی خانه راضی هستید یا نه معلوم شد که اگر روابط خانوادگی حسنه باشد نارساییهای فضایی چندان محسوس نیستند. در بیشتر موارد از درهم و برهم بودن سازمان فضایی خانه شکایت شده است و گفته اند «چنانچه فضای داخلی دو طبقه باشد» یا «چشم‌انداز مطبوعی وجود داشته باشد» یا حتی یک فضای «زیزله» در خانه باشد، برخی از نیازمندیهای فضایی ساکنان تأمین خواهد شد. متن یکی از پاسخها چنین است: «تا حدی آری، چون این فضاها به خوبی تعریف و تعیین شده‌اند و تا حدودی به این علت که تا حدی امکانات کامل برای زندگی یک فرد را دارند، تزیینات مناسبی دارند، تا حدی پُر هستند. و از فضای سبز نیز بی‌بهره نیستند»

شانزدهم - سؤال «آیا از فضاهای عمومی خانه راضی هستید؟» نیز مانند پنج سؤال گذشته درباره رابطه «متقابل شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه» مطرح شده است. آنچه از پاسخها دریافتیم این بود که در مقایسه با فضاهای خصوصی، رضایت فضایی از اتاقهای عمومی بسیار کمتر است، زیرا میزان به هدر رفتن فضای قابل استفاده در فضاهای عمومی بسیار زیاد است و به قول یکی از پاسخها فضاهای عمومی خانه‌ها «نه دید و منظر دارند، نه پیچیدگی فضایی، نه غنا و ابهام» در چند پاسخ مسئله نظافت به جای رضایت فضایی مطرح شده است و از کوچک شدن فضاهای به ظاهر بزرگ، هنگامی که تعداد میهمانها افزایش می‌یابد، شکایت شده است.

هفدهم - پرسیده شد از حمام و دستشویی منزلتان راضی هستید؟ پاسخ دادند که چنانچه تعداد آنها کافی (حداقل دو سرویس جداگانه) و محل آنها مناسب باشد و به میزان کافی نور و تهویه داشته باشند و در دیدرس نباشند و نقص فنی هم نداشته باشند رضایت حاصل خواهد شد.

هجدهم - برای اطلاع از ویژگیهایی که آشپزخانه را مطبوع می‌سازند سؤال کردیم آیا از آشپزخانه راضی هستید؟ پاسخها ما را به شناخت این ویژگیها راهنمایی کردند: مکان استقرار آشپزخانه از اهمیت درجه یک برخوردار است و باید از مرکزیت و همجواری‌های مناسب برخوردار باشد، خاصه

امکان بسط و ترکیب فضاها نپرداختند.

بیست و چهارم - درباره رابطه فصلهای چهارگانه و رضایت از خانه پرسیدیم. پاسخها ارتباط با فصول را در درجه اول به کیفیت سیستمهای تأسیساتی (حرارتی - برودتی) و در درجه دوم به ارتباط مستقیم با فضاهای باز و نیم باز وابسته دانسته بودند. در فصلهای معتدل رضایت از خانهها بیشتر است. در درجه آخر به وجود چشم انداز و گل و سبزی اشاره شده است.

بیست و پنجم - سؤال این بود که چه نکاتی رضایت شما را در خانه فراهم می آورند، اما باز پاسخها به سمت مسائل غیر فضایی جهت گرفتند. ویژگیهای رضایت آفرین سازمان فضایی عبارت بودند از: بلندی سقفها، بزرگی خانه، سرسبزی، روشنایی کافی، مشخص بودن حریمها، پاسیو و تراس بزرگ، ایمنی، پنجره های مناسب، آشپزخانه بزرگ و روشن، هال بزرگ، نبود پله و...

بیست و ششم - پرسیدیم تا آنجا که به فضاهای خانه مربوط می شود چه مسائلی شما را آزار می دهند؟ دریافتیم که آزار در مجتمعه و آپارتمانها با آزار در خانه های تک واحدی متفاوت است. در اولی ساکنان از فقدان فرهنگ آپارتمان نشینی گله داشتند و در دومی به عدم تناسب سازمان فضایی با شیوه زندگی ساکنان.

بیست و هفتم - درباره حضور و جریان باد طبیعی در خانه پرسیدیم. پاسخها حاکی از آن بود که حضور باد طبیعی در خانه به ندرت تجربه شده است. نبود فضاهای پوشیده و باز در خانه این امکان را به حداقل کاهش داده است.

بیست و هشتم - پرسیدیم خنکی در خانه شما چگونه تأمین می شود. از بررسی پاسخها معلوم شد که علی رغم تمایزهای آب و هوایی شهرهای مورد بررسی بیشتر خانه های معاصر از کولر آبی، پنکه و کولر گازی برای خنک شدن استفاده می کنند. این سهم بیشتر بر عهده سازمان فضایی خانه قرار دارد. در بررسی میدانی مشاهده شد که عناصر تأسیساتی برودت را به صورت زائده به سقف، کف و بدنه های داخلی و خارجی چسبانیده شده و فاقد نمود معمارانه اند.

بیست و نهم - پرسیدیم گرمای منزلتان چگونه تأمین می شود؟ از بررسیها معلوم شد که گرمای خانه ها به وسیله شوفاژ، بخاری گازی، بخاری نفتی و به میزان کمتری سیستم حرارت مرکزی تأمین می شود. تنها در یک مورد از پاسخها به کسب حرارت از خورشید اشاره شده است. به علاوه در بررسیهای میدانی مشاهده شد که عناصر تأسیساتی حرارت را بدون ارتباط با عناصر معماری بنا در داخل فضاها حضور یافته اند.

سی ام - برای پی بردن به اینکه سازمان فضایی خانه ارتباط با طبیعت را در نظر داشته است یا نه از حضور گیاهان سبز پرسیدیم. آنچه از بررسی پاسخها عایدمان شد این بود که ساکنان خانه های معاصر گل و گیاه را دوست دارند، لیکن امکانات زندگی آپارتمانی این رابطه را بسیار محدود کرده است. خانه هایی که حیاط دارند در موقعیت ارتباطی بهتری هستند. در شش شهر مورد بررسی ارتباط ساکنان خانه های معاصر با طبیعت، درخت و فضای باز بیشتر از ساکنان خانه های تهران است. حذف این رابطه و نادیده گرفتن آن در سازمان فضایی نادیده گرفتن ارکان تشکیل دهنده شیوه زندگی است.

سی و یکم - در پاسخ به سؤال با همسایه دیوار به دیوار معاشرت دارید اکثریت قریب به اتفاق پرسش شوندگان معاشرتی با همسایه دیوار به دیوار خود نداشتند. مشاهدات نیز نشان دادند که شکل و فضای همجواری خانه ها نیز نقشی در برقراری ارتباط همسایه ها با یکدیگر ایفا نمی کند. در همین

سطح نیز ساکنان خانه های شش شهر مورد بررسی بیش از ساکنان خانه های تهران با همسایه دیوار به دیوار و روبه رویی معاشرت دارند.

سی و دوم - درباره معاشرت با همسایه روبه رویی پرسیدیم و پاسخها را نسبت به سازمان فضایی خانه ها و همجواری های آنها سنجیدیم و دریافتیم که آرایش و ترکیب بیرونی خانه های معاصر نقشی در ایجاد معاشرت میان همسایگان ایفا نمی کند.

سی و سوم - سپس از تداخل حریمهای ساکنان خانه پرسیدیم. پاسخهایی که از تداخل حریمها شکایت داشتند، این تداخل را ناشی از کمبود زیربنا و نبود یک اتاق برای هر نفر می دانستند.

سی و چهارم - سؤال تداخل حریمها را با سؤالی درباره اقامت میهمان یا میهمانان در خانه ادامه دادیم. موضوع همچنان معتبر است. هنوز در خانه های معاصر میهمان یا میهمانان حداقل یک شب را به صبح می رسانند و این میزان در شش شهر تحت بررسی بیش از یک شب است. آنها که جای خواب برای پذیرایی از میهمان دارند از کمبود سرویسها شکایت می کنند و آنها که ندارند از تداخل حریمها.

سی و پنجم - در باره تجربه زندگی مشترک خانواده با فرد دیگر پرسیدیم. پاسخها حاکی از آن بودند که علی رغم حضور این تجربه در خانه های معاصر سازمان فضایی این خانه ها در برابر این وجه از شیوه زندگی ناتوان است.

سی و ششم - در باره تمایز و یا تشابه سه عنصر ماندگار تعریف کننده فضاها (دیوار، سقف و کف) پرسیدیم. در تمامی پاسخها این سه عنصر را در تمامی فضاها مشابه اعلام کردند، خاصه دیوارها و سقفها را.

سی و هفتم - سؤال به تناسب و تعادل بین اشیاء و فضاها مربوط بود و پاسخها نشان دادند که احساس دقیقی از موضوع تعادل اشیاء و فضاهای خانه وجود ندارد، ولی در فضاهایی مانند اتاق خواب و آشپزخانه به حضور مسلط و اشباع شده اشیاء اشاره شده است.

سی و هشتم - پرسیدیم تأثیر سقف بلند بر شما چیست؟ برای بیشتر پرسش شوندگان تأثیر خوش آیند و مطلوب سقف بلند مطرح است، لیکن نگرانی برای تأمین سرما و گرمای فضا بر مطلوبیت دلبازی آن می چربد.

سی و نهم - در بررسی سؤال مربوط به فضاهای خانه و کودکان معلوم شد که سازمان فضایی خانه های معاصر اساساً به مسئله سن بی توجه است. تنها مورد قابل ذکر خصلت وجهی پله است که از یک طرف تنوع فضایی ایجاد می کند و از طرف دیگر خطر سقوط می آفریند.

چهل م - درباره امکان تغییر سازمان فضایی خانه توسط ساکنان پرسیدیم. در بیشتر پاسخها این تمایل وجود داشت. آنها که مالک بودند به این کار اقدام کرده اند.

جهت اصلی این تغییرات تأمین روشنایی بیشتر و گشایش فضاها و برقراری ارتباطات سهلتر بوده است.

۱- این مقاله بر اساس نتایج تحقیقی تدوین شده است که نگارنده در حد فاصل سالهای ۷۴-۷۷ درباره «کاربرد اصول معماری خانه های ایرانی در طراحی مسکن معاصر» برای وزارت مسکن و شهرسازی انجام داده است.

۲- ادیبی - حسین در کتابهای زمینه انسانشناسی، جامعه شناسی طبقات و طبقه متوسط در ایران و دیلمان - هارالد در کتاب اصول طراحی مسکن.

۳- از خوانندگان خواهش می کنیم در صورت تمایل با حوصله و با ذکر شماره هر سؤال به پرسشها پاسخ گویند و پاسخها را به آدرس نشریه (یا از طریق فاکس) ارسال کنند. این پاسخها می تواند همکاران و مستولان را در افزایش مطلوبیت خانه های معاصر راهنمایی کنند.